

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ فبروری ۲۰۲۰

آذان بعد از پنج سال خاک پلک!؟

دوشنبه- ۱۴ دلو ۱۳۹۸ - کابل: در سر خط اخبار امروز، صدور فرمان از جانب "عبدالله عبدالمود" به آدرس وزارت خارجه دولت دست نشانده قرار داشت که از آن وزارت می خواست الی اعلام نتایج نهائی انتخابات، به تغییرات و تبدلات در آن وزارتخانه خاتمه دهد.

همزمان با صدور این فرمان و پاسخ سربالای ارگ که نظر به قانون اساسی صلاحیت این کار به رئیس جمهور داده شده است (بدان معنا که به تو مربوط نیست)، " عبداللهمود" ضمن یک مصاحبه اعلام داشت که " غنی احمدزی" خلاف صلاحیت ها با زیر پای کردن توافقنامه "حکومت وحدت ملی" دست به مقرری ها و برطرفی هائی زده است که از جانب وی مورد قبول نیست.

در یادداشت امروز توجه شما را به علل احتمالی تبارز تشدید این تضاد بین نیروهای دست نشانده و مزدور جلب می نمایم:

۱- هرگاه بدین مسأله از دید به اصطلاح "قانون اساسی" دست ساخت استعمار و ارتجاع نگریسته شود، می توان نوشت:

*- از همان آغاز تشکیل حکومت خیانت ملی زیر نام "وحدت ملی" غیر قانونی بوده، نه "غنی احمدزی" قانوناً حق داشت تا بر کرسی ریاست جمهوری تکیه زند و نه هم "عبدالله عبدالمود" حق داشت با ایجاد یک اداره موازی، بیت المال را غارت نماید.

*- بر مبنای همان قانون، حاکمیت دست نشانده برآمده از تقلب، دوران کارش حنا اگر قانونی هم می بود، در جوازای ۱۳۹۸ خاتمه یافته است، ستره محکمه هم هیچ گونه صلاحیت تمدید دوران حاکمیت این اداره منقاد و نوکر بیگانگان را که هر روز طول عمرش به قیمت جان صد ها فرزند این خاک و آبروی کشور تمام می شود، تمدید نماید.

*- بناءً بر مبنای به اصطلاح "قانون اساسی" این حاکمیت هیچ گونه مینا و پایه قانونی ندارد و مردم حق دارند وقتی خود قدرت را به دست گیرند، هر دو جناح حاکمیت را به دلیل زیر پای کردن به اصطلاح "قانون اساسی" مورد بازخواست قرار داده، خساراتی را که طی این زمان بر مردم و کشور وارد نموده اند از آنها مطالبه نمایند.

۲- هرگاه به قضیه از منظر موافقتنامه غیر قانونی حکومت "وحدت ملی" نگریسته شود، مسلم است که "غنی احمدزی" به مثابه فردی متجاوز و متجاسر شناخته شده این اوست که آن موافقتنامه را زیر پای نموده به شریک قدرتش کمترین ارزشی قابل نیست.

۳- اساس مسأله این است که "عبدالمود" علی رغم آن که "غنی احمدزی" در جریان پنج سال گذشته به همین سان عمل نموده، چرا اینک دفعته از خواب خرگوشی بیدار شده، ادعای شراکت در قدرت را می نماید؟ به نظر من هم سکوت و گردن پتی دیروزش تابع دستور های باداران شان بود و هم قد بلندک های امروزش.

اگر دقیق بنویسم، می توان نوشت بعد از آمدن "خلیلزاد" به کابل و چراغ سبزی که از جانب وی دیده است، این جریزه و جرأت را یافته است تا در مقابل "غنی احمدزی" زورگوی و جبار قد بلندک نموده، به یک وزارتخانه مکتوب بفرستد.

۴ - خلاف تصور آنهایی که فکر می کنند این بار "عبدالمود" غیرت و شهامت خریده، مقابل زورگویی های "غنی احمدزی" خواهد ایستاد و چه بسا با شناختی که از خیره سری "غنی احمدزی" وجود دارد کشور به طرف بحران جدیدی کشانیده شود، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. زیرا طناب گردن هر دو طرف به دستان توانمند اشغالگران بسته است. این آنها هستند که به یکی خیره سری می آموزند و به دیگری تحمل و یا گردنکشی.

در نتیجه هرگاه اشغالگران بخواهند "عبدالمود" را بر روی صحنه بیاورند، "غنی احمدزی" اولین کسی خواهد بود که با یک گوشه چشم سفارت امریکا و بقیه اشغالگران دستان "عبدالمود" را بلند کرده خود از ترس مردم تا امریکا پشت سرش را نیز نگاه نخواهد کرد و هرگاه اشغالگران درکل باز هم بخواهند آن انسان ابله را با مغز متعفنش به کار گیرند، "عبدالمود" به مانند سالهای پار به "خاک پلک" همیشگی برخاسته از مزاج سیاسی و شخصی اش، ادامه خواهد.

سرکها ما را می طلبید!!